



ایران

۱۳ آبان و خروش "مرگ بر آمریکا"

رویداد مهم هفته برگزاری سالگرد ۱۳ آبان بود، که به طور عمده به روز نبرد علیه آمریکا و توطئه‌هایش، به روز تحلیل از اقدامات شجاعانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، به روز تجدید عهد برای ادامه مبارزه علیه تسلط بزرگ بدل شد. امام خمینی رهبر انقلاب در سخنان خویش بار دیگر ارزش والایی برای این مرحله دوم انقلاب قائل شدند و شخصیت‌ها و نهادها با تکیه بر دسایر آمریکای توطئه‌گر، بر اهمیت آن تأکید کردند.

نمایندگان مجلس، در نامه خوبش، ۱۳ آبان را "نقطه پایان دوران سیاه فرمانروایی آمریکا و ظفر فوت و کمال انقلاب" ارزیابی کردند و آن را سرآغاز "فرد جریانات سازشکار و فرساکرا از متن جامعه انقلابی ایران دانستند و تصریح کردند که اشغال لانه جاسوسی "ضربه کاری بر حیثیت و منافع آمریکا هم بهمانان و مزدوران او" وارد آورده است. آقای موسوی نخست‌وزیر آن را "باب تازه‌ای در مبارزات ضد استعماری ملل علیه توطئه‌های گسترده آمریکا، این فاسدترین و خون‌ریزترین دشمن، توصیف کرد و گفت که: "از اثرات سیاسی اشغال لانه جاسوسی منزوی کردن لیبرال‌ها و ریشخندان غرب‌زدگی و آمریکا‌زدایی بوده است. همین معنا را امام جمعه زنجان با این جمله بیان داشت: با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا چهره‌های آمریکایی برای ملت ما افشا شد و از نظر سیاسی آمریکا در بن‌بست قرار گرفت". روزنامه "صبح آزادگان" در سرمقاله خود بدین مناسبت به این نتیجه رسید که "آمریکای جنایتکار ریشه همه مفاسد است و باید با آمریکا مبارزه کرد". سیاه پاسداران در اطلاعیه ویژه خوبش نوشت: "تسخیر لانه جاسوسی آمریکا دستاوردهای عظیمی را به دنبال آورد" و اهمیت آن را برای "تمامی استقلال‌طلبان و آزادی‌خواهان سراسر جهان" خاطرنشان ساخت.

از این گونه موضع‌گیری‌ها، طی هفته گذشته، ده‌ها صدها می‌توان ذکر کرد، ولی همین نمونه‌ها، از قول یک شخصیت سیاسی، بگره‌بند مذهبی، یک نهاد و یک روزنامه کافی است تا جو عمومی را نشان دهد. ولی بدون تردید تظاهرات پرشور مردم بویژه جوانان و نو جوانان دانش آموز در روز ۱۳ آبان به بهترین وجهی این جو ضد آمریکا و اراده خلیل‌ناپذیر مردم را در تداوم نبرد علیه شیطان بزرگ و توطئه‌های براندازی او نشان داد. شعار "مرگ بر آمریکا"، چنان‌که گویی از عمق وجود و شناخت جوانان انقلابی برمی‌خیزد، از میان گروه‌های دانش‌آموزان در حال حرکت خود به خود می‌جوشد و به سرعت همه‌گیر می‌شود. پرچم‌های آمریکا و اسرائیل زیر پاها بود و فرسنگ‌های آن‌ها بر روی مینی‌بوس‌ها جلب نظر می‌کرد. در جریان راه پیمایی و مینینگ تقریباً لحظاتی نبود که شعار مرگ بر آمریکا قطع نشود.

اگرچه گاه این‌جا و آن‌جا افراد مشکوکی، که در بین آن‌ها مستانه از مسئولین امور تربیتی مدارس نیز دیده می‌شدند، توصیه می‌کردند که شعارهای انحرافی نیز سرداده شود، ولی این توصیه انعکاسی پیدا نکرد. منحرف‌کردن لانه نیز شعارها و فریادها از سوی دشمن اصلی آمریکا به سوی آماج‌های دیگر، به منظور آن که آمریکا و توطئه‌های آن را زیر سایه قرار دهد و به فراموشی بسپارد، تاکنیکی است که امروزه همه جریان‌های مخالف و عناصر راستگرا و همه طیف ضدانقلابی به آن متوسل می‌شوند. این همان تاکنیکی است که در آستانه و به هنگام عمل قهرمانانه اشغال جاسوخانه، توسط لیبرال‌ها به کار برده می‌شد. مجله "پیام انقلاب" ارگان سیاه پاسداران، (شماره ۲۷ آبان) در بررسی وقایع ۱۳ آبان نوشت:

دست‌های مرئی و نامرئی روشنفکران و لیبرال‌ها و بویژه دولت موقت با همکاری نمودن شعار انحرافی مرگ بر کمونیسم سعی نمودند که مسئله اصلی را فراموش کنند و در این فرصت آمریکا و ایادیشان به کارهایشان بپردازند.

این شبهه امروز نیز با طرح و بخش و گوش برای جا انداختن شعارهای انحرافی "مرگ بر توده‌های و مرگ بر فدائی و مرگ پرشوری" توسط همه جبهه‌های واقتربون و لیبرال‌ها و همچنین توسط ساواکی‌ها و عناصر پنهانی ضدانقلاب و مأموران نفوذی به کار برده می‌شود، تا آن "فرصت" را برای آمریکا فراهم آورند. اما واقعیات نشان می‌دهد

که این ترفند کاربری خود را بیش از پیش از دست می‌دهد و در برابر هشیاری و آگاهی مردم انقلابی ما رنگ می‌بازد. آن‌گاه که انقلابیون اصل و پیگیر، بدون پاک از ماگزیدن‌ها، در برابر این حیل‌ها بایستند و علناً آن را افشا کنند، مسلماً "فرصت"‌ها را بیش از پیش از آمریکا و ایادی‌اش سلب خواهند کرد.

تظاهرات ۱۳ آبان امسال، علی‌رغم آن تشبیهات صفت افراد مشکوک و علی‌رغم نمونه‌هایی نظیر سخنرانی در صحنه باختران و آتش‌زدن پرچم شوروی در آمل و نظایر محدود این‌ها، تجلی بارز آگاهی و مبارزه‌جویی مردم ما در نبرد علیه آمریکا بود. جادار در کوه‌ها جادار آوردیم و به‌همه رفقا و دوستان توصیه‌نماییم، که ضمن بحث‌های خود در این زمینه، موضع حزب ما را درباره اقدام قهرمانانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از همان روز اول، از همان ساعت اول، به‌همگان خاطرنشان سازند. ما بدون تردید و باشناخت درست ماهیت و اهمیت این اقدام از همان روز و ساعت اول به پشتیبانی همه‌جانبه از آن برخاستیم. در همان روز ۱۳ آبان ۵۸ اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما انتشار یافت، که در شماره ۱۴ آبان ۵۸ ماه روزنامه "مردم" درج شده است. عنوان اعلامیه چنین است: "حزب توده ایران اشغال سفارت آمریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران، را تایید و مذاکرات هیئت نمایندگی دولت موقت با برزینسکی، یکی از توطئه‌گران اصلی بر ضد انقلاب ایران، را محکوم می‌کند". در همان روز کمیته مرکزی حزب ما دسته‌گلی برای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام فرستاد و حمایت و سپاس خود را اعلام داشت. شماره‌های روزنامه "مردم"، که در آن هنگام منتشر می‌شد، گواهاست که در سیاست‌اصولی پشتیبانی ما از تسخیر جاسوخانه، به مثابه تداوم و تعمیق نبرد ریشه‌ای و همه‌جانبه با امپریالیسم امریکا در این مرحله دوم انقلاب، لحظه‌ای توقف حاصل نشد. پرچم‌هایی که در ۱۳ آبان این هفته آتش‌زده شدند، همان "قاب دستمالی برای برق‌نکدن به گوش‌کینه سرمایه" است، قاب دستمالی "که ستارگان از آن می‌گریزند، چه آفتاب برمی‌آید" — ما این را از همان روز گرفتیم.

آزادسازی بخش دیگری از سرزمین میهن انقلابی

در این هفته عملیات "محرم" انجام شد، که در دو مرحله آن، بنا بر اخبار منتشره، بیش از ۵۵۰ کیلومتر دیگر از خاک میهن انقلابی ما، که در اشغال متجاوزان صدامی بود، آزاد شد. مردم ما، که عمیقاً خواستار صلح شرافتمندانه و عادلانه، یعنی همراه با آزادی کامل کلیه سرزمین‌های اشغال‌شده و پرداخت غرامت‌های لازم برای جبران خسارات مادی وارده از سوی صدام متجاوز بوده هستند و به تشبیه آمریکا پرزای گم‌شده فرسایشی کردن جنگ پی برده‌اند، بویژه به این گفته امام خمینی به‌شدت مسامت توجه کردند، که گفتند: این راه‌ها همه در دست‌های هستند در دست آمریکا. آمریکا می‌گوید این طور بگو، می‌گویند. دنیا باید آمریکا را از زمین ببرد. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی نماینده امام در شورای عالی دفاع و رئیس قوه مقننه نیز در همین باره در این هفته گفت: "ما سازمان به دنیا اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ما راجو نیست و صلح منطقه را بیش از هر کسی و کثوری می‌خواهد اما حاضر نیست از حقوقش صرف نظر کند".

در هم شکستن توطئه آمریکا، که سایاری "روس‌کها" می‌نظفای‌اش می‌خواهد انقلاب ما را، از راه فرسایشی کردن جنگ و تحلیل بردن بنیادهای مادی و انسانی کشور ما تضعیف کند و ما را از رسیدن به اهداف انقلاب و تحول بخشیدن به اوضاع اجتماعی - اقتصادی جامعه باز دارد و زمینه را برای انجام اقدامات براندازی فراهم سازد، وظیفه ما و مبرمی است که اهمیتش بیش از پیش آشکار می‌شود. امام خمینی در آخرین ملاقات این هفته با دانشجویان و جنگ‌زدگان گفتند: "انشاءالله به زودی جنگ پایان می‌یابد و خدمت‌ها به شماها زیادتر خواهد شد".

در خدمت مردم زحمتکش

اجرای این "معمودات" خمینی از مهمترین مسائل کنونی است. این نکته که انقلاب و حکومت مال مستضعفین است و دولت باید به مسائل و مشکلات آن‌ها برسد و سمت حل مسائل کشور باید در راستای منافع طبقاتی زحمتکشان باشد، نکته‌ای است اساسی، که از خصلت و ماهیت انقلاب برمی‌خیزد و در این هفته نیز به دفعات درباره آن صحبت شد. از جمله رئیس مجلس شورای اسلامی، در ملاقات با روسای شوراهای برنامه‌ریزی وزارت‌خانه‌ها، گفت:

"مردم منتظرند که بدانند ما چه می‌کنیم. ما داعیه داریم که می‌خواهیم در ایران الکوسی‌سارم تار منطقه و در دنیا برای مستضعفین راه جدیدی باز کرده باشیم. چنین انتظاری البته کار می‌طلبد، عمل می‌طلبد، تحقق و عهده‌ها را می‌طلبد. خوشحانتان اکنون نزد مسئولین متعهد و در نهادهای

خود را بر پایه همکاری مسالمت آمیز و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر بنا می کند. " صلح بین ملت ها " اولین شعار بود که انقلاب آکسبر اعلام کرد و اتحاد شوروی این سیاست را طی ۶۵ سال موجودیت خود پیگیرانه دنبال می کند. ویکتور گرشین افزود که حفظ توازن موجود نظامی و استراتژیک بین دو سیستم جهانی، ضمان صلح و امنیت خلق هاست و اتحاد شوروی هرگز اجازه نخواهد داد که این توازن برهم بخورد و هر اقدام امپریالیسم را در زمینه توسعه مسابقه تسلیحاتی با اقدام متقابل پاسخ خواهد داد. وی گفت که دولت کارگری و دهقان که بر اثر انقلاب آکسبر به وجود آمد، از همان آغاز متحد و فادار انقلاب های آزادی بخش ملی بود و هم اکنون نیز به ده ها کشور رهائی یافته از ستم امپریالیستی، در نوازی و تحکیم پایه استقلال اقتصادی و سیاسی کشورشان کمک می کند. او تاکید کرد که اتحاد شوروی، ضمن تعقیب سیاست حفظ صلح، اعمال خود سرانه امپریالیست ها و عملیات تجاوزکارانه آمریکا و پیمان " ناتو " را تحمل نکرده و نخواهد کرد و با این اقدامات آن ها مجدانه مقابله کرده و خواهد کرد. ویکتور گرشین گفت که اتحاد شوروی اطمینان دارد که صلح و پیشرفت اجتماعی در جهان پیروز خواهد شد.

اطمینانی که ویکتور گرشین به پیروزی صلح و پیشرفت اجتماعی در جهان ابراز می دارد، بر پایه واقعیات جهان امروز بی ریزی شده است. میلیون ها انسان در سراسر جهان، از جمله در قسب دنیای امپریالیسم، در خود ایالات متحده آمریکا به پا خاسته اند و سدی استوار در برابر سیاست های ماجراجویانه زمام داران کشورشان برپا کرده اند. آندره گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در سخنرانی خود در سی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت که ندیدن خطر جنگ هسته ای اشتباهی بزرگ است، اما ندیدن امکاناتی که توده های مردم برای جلوگیری از این خطر دارند، اشتباهی بزرگ تر است. امروز موضع گیری دولت ها در مسئله صلح و جنگ، ملاک ادبی پشتیبانی مردم از آن هاست. انتخابات آمریکا بار دیگر این را ثابت کرد.

شکست جمهوری خواهان در انتخابات پارلمانی آمریکا

هفته گذشته مردم آمریکا یک سوم نمایندگان سنا و تمام نمایندگان مجلس نمایندگان و ۳۶ فرماندار از ۱۵ ایالت آمریکا را انتخاب نمودند. انتخابات در ایالات متحده معمولاً یک صحنه سازی عوام فریبانه برای جلب آرای مردم است. این صحنه سازی میلیون ها دلار خرج برمی دارد. پیروزی در انتخابات تا حدودی به میزان پولی، که هر یک از احزاب می توانند برای به اصطلاح تبلیغات انتخاباتی خرج کنند، وابستگی دارد. سرمایه داران وابسته به صنایع نظامی، که به بقای حکومت کنونی جمهوری خواهان علاقه فراوانی دارند، ۳۰۰ میلیون دلار برای هزینه این انتخابات تخصیص داده بودند. آن ها امیدوار بودند که پیروزی جمهوری خواهان دوماً برابر آن را به صورت سفارش های بزرگ نظامی جبران خواهد کرد. اما مردم آمریکا دست برد، آن هم در همین

مسئله، یعنی گسترش مسابقه تسلیحاتی، بر سینه جمهوری خواهان زدند. متوقف ساختن تولید و استقرار سلاح های هسته ای و کاهش تسلیحات هسته ای از طریق مذاکره با اتحاد شوروی، مهم ترین مسئله انتخابات این دوره آمریکا بود. مردم آمریکا با اکثریت چشمگیری به قطع مسابقه تسلیحاتی رای مثبت دادند. هر چند ریگان پس از اعلام نتایج رای گیری، که به شکست مفتضحانه حزب او انجامیده بود، با بی شرمی خاص خود اعلام داشت که سیاست های سابق را ادامه خواهد داد، و بی شک در میان همان نمایندگان منتخب از حزب دموکرات نیز پشتیبانان و همفکرانی خواهد یافت، ولی مردم آمریکا با رای خود نشان دادند، که تبلیغات لجام گسیخته امپریالیستی درباره "خطر شوروی" و "بی دفاعی" ایالات متحده در برابر این "خطر"، نتوانسته است آن ها را شریک دهد.

تردیدی نیست که ریگان به گفته خود عمل خواهد کرد. ولی با این همه، دخالت فعال تر مردم آمریکا در این انتخابات و روی برگرداندن آن ها از هارترین نمایندگان مجتمع صنعتی - نظامی را می توان به فال نیک گرفت و امیدوار بود که خلق آمریکا بتواند بار دیگر، چون دوران جنگ ویتنام، با مبارزه وسیع تر خود، سیاستگران ماجراجو و تجاوزکار را سر جای خود بنشانند.

ناگامی های حکومت ریگان در صحنه بین المللی نیز کمتر از جبهه داخلی نیست. هیچ دولتی، حتی از نزدیک ترین متحدان آمریکا، حاضر نیست که سرنوشت خود را روی سیاست های ماجراجویانه و تجاوزکارانه دارودسته ریگان به قمار بگذارد.

می توان به جرات گفت که سیاست های دولت ریگان در قطع روابط بازرگانی بین اروپای غربی و کشورهای سوسیالیستی، به خصوص در مسئله شامپوله گاز سبیری، صدور ضد انقلاب به لهستان و افغانستان، توطئه برضد انقلاب ایران، تحمیل اراده به خلق های عرب، به ویژه سوریه و جنبش آزادی بخش فلسطین از طریق تجاوز رژیم صهیونیستی اسرائیل همه به ناگامی انجامیده است. اما امید بیهوده ایست، اگر تصور کنیم امپریالیست های آمریکایی از این شکست ها و ناگامی ها درس خواهند گرفت و به راه راست قدم خواهند نهاد. سرشت امپریالیسم چنین چیزی را نمی پذیرد و ما هم اکنون شاهد تلاش گسترده آمریکا برای ایجاد پیمان های تازه نظامی در خلیج فارس و خاور دور و توطئه های رنگارنگ دیگر برضد خلق های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین هستیم.

ولی ده سال های هشتاد آستن حوادث بزرگی در صحنه جهان به سود استقلال و آزادی خلق ها خواهد بود و برای پیشگیری از این حوادث است که دنیای امپریالیسم تمام نیروهای خود را بسیج کرده است. خلق های جهان برای لگام زدن به ماجراجویی های امپریالیسم نبرد سختی را در پیش خواهند داشت، نبردی که تمام صحنه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را دربر خواهد گرفت و علی رغم تمام دشواری ها و بفرنجی ها پیروز خواهد شد. میهن انقلابی ما می تواند و باید با ادامه مبارزه پیگیر ضد امپریالیستی در این نبرد نقش شایسته خود را در جبهه محرومان و زحمتکشان برضد ستمگران و استثمارگران ایفا کند و بی تردید خواهد کرد.